

خودکشی بعد از مرگ

دوست صمیمی

اخبار | گروه حوادث/ پسر جوان که پس از خودکشی دوست صمیمی اش دچار افسردگی شده بود خودکشی کرد. به گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، ساعت ۴ صبح

۲۱ بهمن، مأموران کلانتری ۱۴۰ باغ فیض در جریان مرگ مشکوک پسر جوانی در خانه‌اش قرار گرفتند.

به‌دنبال اعلام این خبر مأموران راهی محل شده و با جسد پسر ۱۹ ساله در حالی که خود را حلق آویز کرده بود مواجه شدند. در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد که دوست صمیمی این پسر حدود ۴۰ روز قبل خودکشی کرده بود و به‌گفته خانواده این پسر وی بعد از مرگ دوستش بشدت دچار افسردگی شده بود. همچنین در تلفن همراهش نیز پیامی پیدا شد که نوشته بود «لعلت به این دنیا، دیکه تنها نمی‌گذارم.»

مجازات مرگ برای قتل همسر سابق

گروه حوادث/ مرد خشمگین پس از جدایی از همسرش وقتی متوجه شد او می‌خواهد با مرد دیگری ازدواج کند زن جوان را به قتل رساند و به قصاص محکوم شد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ۴ سال پیش با کشف جسد زنی ۴۴ ساله به‌نام مهتاب در خانه‌اش در دستور کار مأموران قرار گرفت. خبر فوت این زن توسط ناصر ۵۱ ساله همسر سابقش به پلیس اعلام شد و او در همان ابتدا به قتل اعتراف کرد. متهم با تکمیل پرونده‌اش به دادسرا رفت و حالا بعد از ۴ سال هفته گذشته در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.

در ابتدای این جلسه ناصر به تشریح ماجرا پرداخت و گفت: من و مهتاب از ابتدای زندگی با هم اختلاف داشتیم حتی پس از آنکه خدا به ما یک پسر و دختر هم داد مشکلاتمان حل نشد و به خاطر دارم که آخرین بار وقتی او سر یک موضوع خیلی ساده با خنترم دعوا کرد، از شدت عصبانیت مهتاب را کتک زدم. او هم به کلانتری رفت و شکایتی را علیه من مطرح کرد. در کلانتری دوباره دعوایمان شد و این بار علاوه بر همسر، مأمور کلانتری را هم زدم و به زندان افتادم. در زندان بودم که مهتاب به ملاقاتم آمد و گفت در صورتی که حق طلاق را به من بدهی رضایت می‌دهم تا از زندان آزاد شوی. من هم حق طلاق را به او دادم و از زندان آزاد شدم. ۶ ماه بعد مهتاب به بهانه اینکه اگر طلاق بگیریم پسرمان از سربازی معاف می‌شود از من خواست تا جدا شویم. من هم قبول کردم و طلاق گرفتیم. مهتاب قول داده بود کنار من و بچه‌هایمان تا آخر عمر در خانه من زندگی می‌کند اما چند ماه پس از جدایی‌مان قهر کرد و به خانه پدرش رفت. تا اینکه روز حادثه برای دیدن بچه‌ها که آمده بود به من گفت با مردی قرار ازدواج گذاشته و این آخرین ملاقات ماست. از شنیدن حرف‌هایش عصبانی شدم ابتدا با دست هایم گلویش را فشردم و بعد هم با شال خفه‌اش کردم. او را کشتم چون فریبم داده بود.

پس از اظهارات متهم پدر و مادر مقتول از طرف خودشان درخواست قصاص و از طرف فرزند صغیر دخترشان درخواست دیه را مطرح کردند.

سرانجام صبح دیروز قضات دادگاه این مرد را به قصاص محکوم کردند.

کلاهبرداری کارآفرین قلابی از ۴ هزار نفر

گروه حوادث/ مرد شیاد و همدستانش که با معرفی خود به‌عنوان کارآفرین برتر و سرمایه‌گذار از ۴ هزار نفر در قم کلاهبرداری کرده بودند دستگیر شدند.

به گزارش فارس، حجت‌الاسلام حسن غریب- دادستان عمومی و انقلاب قم- در تشریح این خبر گفت: چندی قبل گزارشی به پلیس آگاهی و اداره کل اطلاعات استان قم رسید مبنی بر اینکه شرکتی به‌نام «کیمیای سرخ نشاط آفرین ایرانیان»، مشهور به «صنایع غذایی گوهرنار» به بهانه جذب سرمایه و پرداخت سود ماهانه ۳۶ درصد و سالانه ۴۵ درصد به سرمایه‌گذاران از مردم کلاهبرداری کرده است. بلافاصله موضوع در دستور کار قرار گرفت و به دستور قضایی پس از اطمینان از صحت موضوع، مدیر عامل شرکت و همدستان وی به‌عنوان متهم بازداشت و کلیه اموال مربوطه توقیف شد.

متهمین با استفاده از تبلیغات گسترده در کشور با معرفی خود به‌عنوان سرمایه‌گذار و کارآفرین نمونه، با اغفال بیش از چهار هزار نفر، وجوه نقدی و سرمایه‌های آنها را برای شرکت در فعالیت اقتصادی دریافت کرده‌اند. با بررسی‌های بیشتر مشخص شد کمتر از ۵ درصد از وجوه نقدی دریافتی در امر بسته‌بندی و توزیع مواد غذایی سرمایه‌گذاری شده و حدود ۵۰ درصد از آن را بابت واریز سودهای ماهانه به سرمایه‌گذاران پرداخت و مابقی صرف خرید منازل و باغ ویلاهای متعدد و همچنین خودروها و موتورسیکلت‌های گرانبها شده و همچنین برای مسافرت‌های خارجی و بخشی نیز به‌عنوان کمک به افراد نیازمند و کمیته امداد هزینه شده است. دادستان عمومی و انقلاب قم در این خصوص گفت: افرادی که اقدام به پرداخت وجوه و سرمایه‌های خود به متهم کرده‌اند می‌توانند برای طرح شکایت به دادسرای عمومی و انقلاب قم مراجعه کنند. وی افزود: اتهام متهم که کلاهبرداری و اخلال در نظام اقتصادی از طریق جذب سرمایه‌ها و سپرده‌های مردم در قالب مضاربه و حیف و میل کردن آنهاست، از نظر دادستانی مجرز بوده و نیازی به شاکي خصوصی نیست اما با توجه به توقیف کلیه اموال متعلق به متهم، بعد از صدور رای در دادگاه، این اموال فقط مطابق اسناد واریزی بین افرادی که اقدام به طرح شکایت کرده‌اند تقسیم خواهد شد.

اخلاقی با عکس‌های خصوصی زن جوان

گروه حوادث/ سارق تلفن همراه وقتی عکس‌های خصوصی زن جوان را دید و سوسه اخاذی از او به جانش افتاد.

سرهنگ مهدی قاسمی رئیس پلیس فتای بوشهر در تشریح این خبر گفت: چندی قبل خانمی جوان به پلیس شکایت کرد و اظهار داشت شخصی ناشناس با ارسال تصاویر بسیار خصوصی وی در شبکه اجتماعی واتساب او را تهدید کرده و درخواست‌های شیطانی دارد. این زن در ادامه گفت: البته این عکس‌ها در تلفن همراه خواهرم بوده که چند روز قبل آن را سرقت کرده‌اند.

با شکایت این زن احتمال اینکه سارق تلفن همراه به عکس‌ها دسترسی پیدا کرده و قصد اخاذی دارد قوت گرفت و دیدن ترتیب ردیابی‌ها آغاز شد. چند روز بعد نیز متهم شناسایی و دستگیر شد. وی در بازجویی‌های فنی انجام شده ابتدا هرگونه ارتباط خود را با موضوع انکار می‌کرد اما سرانجام اقرار کرد و گفت: من سارق نیستم، تلفن همراه خواهر شاکي را در پیست اسکی در خارج از استان پیدا کردم، با دیدن تصاویر خصوصی از طریق شبکه اجتماعی واتساب اقدام به ارسال تصاویر موجود در حافظه گوشی برای شاکي و شروع به تهدید و اخاذی کردم. سرهنگ مهدی قاسمی با اشاره به اینکه گوشی‌های تلفن همراه وسیله مناسبی برای تهیه فیلم و عکس‌ها از خانواده‌گی، خصوصی و همچنین محل امنی برای نگهداری آنها نیست، به شهروندان توصیه کرد تا حد امکان از ذخیره کردن این نوع تصاویر در گوشی‌های تلفن همراه یا رایانه شخصی خودداری کنند.

ورود اینترپل به پرونده

ناپدید شدن زن ایرانی-امریکایی

گروه حوادث/

ردیابی‌ها برای شناسایی و دستگیری یک مرد که احتمال می‌رود در ناپدید شدن مرموز زن ایرانی – امریکایی در تهران نقش داشته باشد با دستور بازپرس جنایی تهران از سوی پلیس بین‌الملل کلید خورد.

به‌گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، دی ماه سال گذشته مرد جوانی به اداره پلیس رفت و از ناپدید شدن خواهرش خبر داد و گفت: خواهرم، سونیا- ۵۰ساله- مقیم و ساکن امریکاست. او برای رسیدگی به املاک پدری و کارهای ارث و میراث خانوادگی‌مان چند وقت قبل به ایران آمده بود؛ اما دو روز است که به طرز مرموزی ناپدید شده و دیگر خبری از او ندارم.

با شکایت مرد جوان تحقیقات به دستور بازپرس جنایی آغاز شد. در بررسی‌های اولیه مشخص شد که سونیا از سال‌ها قبل ساکن کشور

امریکا بوده و مدتی قبل هم همسرش درگذشته بود. او مدتی قبل برای رسیدگی به اموال پدری اش به ایران برمی‌گردد و متوجه می‌شود که یکی از املاک موروثی توسط برادرش به یک کمپ ترک اعتیاد اجاره داده شده است.

بعد از آمدن سونیا به ایران، از آنجایی که برای رفت و آمد و کارهای اداری‌اش نیاز به خودرو داشته، برادر سونیا از دوستش به نام مهرداد می‌خواهد تا راننده شخصی او شود. این درحالی بود که بررسی‌ها نشان می‌داد سونیا همیشه به‌همراه خود یک کوله پشتی داشته که داخل آن مدارک، پول و طلاهایش را حمل می‌کرده است؛ اما کوله پشتی نیز همراه زن ۵۰ ساله گمشده بود. بدین ترتیب کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت به تحقیق از مهرداد پرداختند. او گفت: در مدتی

که سونیا در ایران اقامت داشته به سفارش برادرش که یکی از دوستانم است، به‌عنوان راننده در اختیارش بودم. روز حادثه از من خواست تا او را به چهارراه تلفنخانه ببرم. می‌گفت که با یکی از دوستان قدیمی‌اش قرار دارد و از من خواست که او را تنها بگذارم.

من هم طبق خواسته‌اش او را پیاده کرده و به خانه برگشتم و بعد از آن وارد عمل شدند، مشخص شد که او نیز سونیا را دوستش به نام مهرداد می‌خواهد تا راننده شخصی او شود. این زن ادامه یافت و چند نفری نیز به‌عنوان مظنون بازداشت شدند؛ اما اگرچه مظنونان اظهارات ضد و نقیضی داشتند اما بررسی‌ها نشان می‌داد که در رابطه با ناپدید شدن زن میانسال نقشی نداشته و به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی تهران آزاد شدند.

در ادامه بررسی‌ها، از آنجایی که هیچ رد و سرنخی از زن میانسال به دست

روزی دیگر جواب تلفن‌هایم را نداد و من هم تصمیم گرفتم شکایت کنم. با این شکایت سپیده به پزشکی قانونی معرفی شد و پزشکی قانونی من وارد شد بود گیج بودم و نمی‌توانستم تصمیم درستی بگیرم به سعید گفتم چرا این کار را کردی که با چرب زبانی و قریب به من گفت نگران نباش وقتی شربت را خوردم از هوش رفتم و بعد از یکساعت در

حالی به هوش آمدم که متوجه شدم سعید به من تعرض کرده است. دختر جوان ادامه داد: از شدت ناراحتی و شوک عصبی که به من وارد شده بود گیج بودم و نمی‌توانستم تصمیم درستی بگیرم به سعید گفتم چرا این کار را کردی که با چرب زبانی و قریب به من گفت نگران نباش وقتی شربت را خوردم از هوش رفتم و بعد از یکساعت در

حالی به هوش آمدم که متوجه شدم سعید به من تعرض کرده است.

دختر جوان ادامه داد: از شدت ناراحتی و شوک عصبی که به من وارد شده بود گیج بودم و نمی‌توانستم تصمیم درستی بگیرم به سعید گفتم چرا این کار را کردی که با چرب زبانی و قریب به من گفت نگران نباش وقتی شربت را خوردم از هوش رفتم و بعد از یکساعت در

حالی به هوش آمدم که متوجه شدم سعید به من تعرض کرده است.

دختر جوان ادامه داد: از شدت ناراحتی و شوک عصبی که به من وارد شده بود گیج بودم و نمی‌توانستم تصمیم درستی بگیرم به سعید گفتم چرا این کار را کردی که با چرب زبانی و قریب به من گفت نگران نباش وقتی شربت را خوردم از هوش رفتم و بعد از یکساعت در

حالی به هوش آمدم که متوجه شدم سعید به من تعرض کرده است.

دختر جوان ادامه داد: از شدت ناراحتی و شوک عصبی که به من وارد شده بود گیج بودم و نمی‌توانستم تصمیم درستی بگیرم به سعید گفتم چرا این کار را کردی که با چرب زبانی و قریب به من گفت نگران نباش وقتی شربت را خوردم از هوش رفتم و بعد از یکساعت در

حالی به هوش آمدم که متوجه شدم سعید به من تعرض کرده است.



مرگ مرموز پسر دادستان بوشهر در خانه در خانه

گروه حوادث؛ همزمان با کشف جسد پسر جوان دادستان عمومی و انقلاب بوشهر در خانه‌اش تحقیقات برای بررسی علت مرگ وی آغاز شد. به‌گزارش روابط عمومی دادگستری کل استان بوشهر، جسد فرزند ۲۱ ساله علی حسن‌پور، دادستان دادسرای عمومی و انقلاب بوشهر ساعت ۸ شب سه‌شنبه ۲۲ بهمن دریکی از اتاق‌های خانه‌اش در بوشهر پیدا شد. براساس این گزارش در کنار جسد وی یک قبضه اسلحه شکاری نیز کشف شد. با اعلام این‌ موضوع بلافاصله برابر روال قانونی و جاری صحنه توسط مقام قضایی و پلیس آگاهی تحت بررسی قرار گرفت که نتیجه بررسی و علت مرگ وی از طریق روابط عمومی و ارتباطات دادگستری کل استان بوشهر بزودی اعلام خواهد شد.

وقتی یک ماه از آخرین ملاقات شوم من و سعید گذشته بود و او پاسخم را نمی‌داد برایش پیامک فرستادم و گفتم از او شکایت کرده‌ام اما او بار دیگر مرا به خانه‌شان دعوت کرد و گفت اعضای خانواده‌اش در خانه حضور دارند و بهتر است به آنجا بروم تا با هم قرار خواستگاری را بگذاریم.

دختر جوان ادامه داد: من که حرف‌های او را باور کرده بودم برای دومین بار به خانه‌اش رفتم تا شاید قرار ازدواج بگذاریم اما کسی در خانه نبود و سعید بار دیگر به من تعرض

کرد.

وی رو به قضات ادامه داد: من برای اثبات ادعایم می‌توانم نشانی خالکوبی‌های روی بدن او را نیز بهم. سپس به بیان این مشخصات پرداخت.

اما وقتی پسر جوان در جایگاه متهم ایستاد متکرر آزار و اذیت او شد و گفت: سپیده همیشه به خانه

خادم رفت و آمد داشت و من هم گاهی اوقات به آنجا می‌رفتم و



در زندگی مشترک صبور باشید

خودش توجه نکند و همسرش را مجبور کند برای اجابت خواسته‌هایش خودش را به سختی بیندازد. همچنین سیامک هم بی‌تقصیر نیست باید همان اوایل آشنایی با آیدا در خصوص این مسائل مهم صحبت می‌کرد و بسادگی از کنار این مسأله مهم نمی‌گذشت متأسفانه مشکل باعث ایجاد تنش و تبذیل شدن محیط خانه به میدان جنگ و دعوا می‌شود آیدا نباید باطن زندگی خودش را با ظاهر زندگی اطرافیان‌ش مقایسه کند چرا که این باعث ایجاد تشنج در خانه آنها می‌شود. از سوی دیگر چشم و هم چشمی و بهانه‌های بچگانه آفت دیگر زندگی این زوج جوان است او مدام زندگی‌اش را با زندگی خواهر و برادر و خاله و عمه مقایسه می‌کند و همین چشم و هم چشمی‌ها باعث شده تا آیدا به واقعیت زندگی

نگاه کارشناس

نکته کارشناس